

قربانی در جایگاه متهم: پارادوکس عدالت در دیوان بین‌المللی کیفری

✉ h.piri@uok.ac.ir

حیدر پیری

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

اکرم کریم زوراب

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

چکیده: پدیده کودک - سربازان، با وجود پیشرفت‌های حقوق بشری در قرن بیست‌ویکم، همچنان یکی از چالش‌های جدی جامعه بین‌المللی است. در جامعه بین‌المللی، اجتماعی در مورد تعقیب کیفری کودکان سرباز وجود ندارد. مسئله دوگانگی وضعیت آن‌ها (قربانی و مجرم) محور اصلی در تعیین مسئولیت کیفری این کودکان در قبال جرایم جنگی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تمرکز بر پرونده دومینیک اونگون به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا مقررات اساسنامه رم برای رسیدگی به جرائم کودک - سربازان کافی است؟ آیا آن‌ها می‌توانند با استناد به عوامل رافع مسئولیت کیفری یا دفاعیات عام از مجازات معاف شوند؟ چگونه می‌توان میان وضعیت بزه‌دیدگی و مسئولیت کیفری کودکان سرباز توازن ایجاد کرد؟ اگرچه کنوانسیون حقوق کودک و اساسنامه رم به‌کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده‌اند، اما رویه دادگاه ویژه سیرالئون نشان می‌دهد که کودکان بالای ۱۵ سال ممکن است تحت تعقیب کیفری قرار گیرند. این تناقض، همراه با ابهام در تعریف مشارکت فعال کودکان در مخاصمات مسلحانه و معیارهای انتساب جرم (مانند قصد مجرمانه، اجبار، سن و رشد عقلی)، چالش‌های عمده‌ای در عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کرده است. بررسی پرونده دومینیک اونگون نشان می‌دهد که نظام حقوقی بین‌المللی در مواجهه با دوگانگی نقش کودکان سرباز (بزه‌کار و بزه‌دیده) دچار سردرگمی و چالش شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که تنها معیارهای سنتی مسئولیت کیفری در مورد کودک - سربازان ناکارآمد است بلکه همچنین دیوان با وجود تأکید بر ممنوعیت به‌کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال، نتوانسته است معیارهای شفافی برای تعیین مسئولیت کیفری کودک - سربازان بالای ۱۵ سال ارائه دهد. علاوه بر این، دفاعیات ماهوی مانند اکراه، اضطراب و اختلال روانی، با توجه به شرایط خاص اونگون، به شکل محدود و ناکافی اعمال شده‌اند.

واژگان کلیدی: بزه‌کاری، بزه‌دیدگی، کودک - سرباز، مسئولیت کیفری بین‌المللی، دومینیک اونگون

استناد: پیری، حیدر و کریم زوراب، اکرم. (۱۴۰۵). قربانی در جایگاه متهم: پارادوکس عدالت در دیوان بین‌المللی کیفری. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۴)، ۲۳-۵۲.

<https://doi.org/10.22034/jilvi.2025.2037653.1214>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

درگیری‌های مسلحانه ویژگی ثابت دنیای مدرن را تشکیل می‌دهد. صرف‌نظر از نوع آن‌ها، درگیری‌های مسلحانه همه اعضای جمعیت از جمله آسیب‌پذیرترین افراد یعنی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال، در درگیری‌های مسلحانه معاصر کودکان از قربانیان جنگ به عاملان جنایت تبدیل شده‌اند. این تحول نگران‌کننده، نظام حقوق بین‌الملل کیفری را با چالشی بنیادین مواجه ساخته است. به‌کارگیری کودکان سرباز در درگیری‌های مسلحانه، چه به‌صورت اجباری و چه داوطلبانه، منجر به مشارکت آنان در ارتکاب جنایات بین‌المللی می‌گردد. پدیده کودک سرباز حدود نیم میلیون نوجوان در سراسر جهان را در بر می‌گیرد. گزارش رسمی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که تنها در سال ۲۰۲۰، بیش از ۸ هزار کودک در مخاصمات مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نقش آفرینی این کودکان در عملیاتی چون شکنجه، مین‌گذاری و حملات انتحاری، جایگاه متناقض آنان به عنوان مجرم - قربانی را تثبیت می‌کند. در برابر این بحران، نظام حقوقی بین‌المللی با جرم شمردن این پدیده واکنش نشان داده است.^۱

شاید کمی غیرمنطقی و متناقض به نظر آید که کودکانی که خود قربانی جنایت جنگی و آسیب‌های شدید روانی‌اند، در نهایت به عنوان مرتکبان جنایات جنگی مورد تعقیب قرار گیرند. آیا می‌توان آن‌ها را مسئول جنایات ارتكابی دانست؟ اگر چنین است، کودکان در چه سنی باید از نظر قانونی مسئول اعمال خود باشند و چه معیار قانونی برای تعقیب آن‌ها باید اعمال شود؟ در نهایت، روند انتساب مسئولیت به کودکان سربازی که مرتکب جرایم فاحش جنگی شده‌اند، چگونه صورت خواهد گرفت؟

در مواجهه با این پرسش‌ها، حقوق بین‌الملل کیفری رویکردی یکپارچه و شفاف ندارد. از یک سو، اساسنامه رم با تعیین حداقل سن ۱۸ سال برای مسئولیت کیفری، رویکردی حمایتی در پیش گرفته

۱. مواد ۱، ۲ و ۴ پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۲۰۰۰ در مورد مشارکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه، به ممنوعیت به‌کارگیری اشخاص زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح اشاره می‌نماید. ماده ۸(ب)(۲۶) اساسنامه رم و بند ج ماده ۴ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون به سربازگیری یا بکارگیری کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح یا به کارگرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی را صرف‌نظر از نحوه جذب آن‌ها (اجباری یا داوطلبانه) اشاره می‌نمایند. پیش از این، بند ۲ ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی و ماده ۳ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، بند ۲ ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک و مقاله‌نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۸۸ به پدیده کودک سرباز توجه نموده‌اند و بکارگیری و مشارکت مستقیم کودکان در مخاصمات را ممنوع نموده‌اند (نقی‌زاده و لسانی، ۱۴۰۳: ۱۲۸۳).

است.^۱ از سوی دیگر، دادگاه ویژه سیرالئون با استناد به ماده ۷ اساسنامه خود^۲، که حداقل سن مسئولیت کیفری را مشخص نکرده بود، این امکان را فراهم کرد که کودکان بالای ۱۵ سال تحت شرایطی مشمول تعقیب کیفری گیرند، هرچند در عمل از این صلاحیت استفاده نکرده است. این تعارض میان عدالت کیفری و حمایت از حقوق کودکان، همراه با ابهام در معیارهای انتساب جرم (مانند قصد مجرمانه، اجبار و رشد عقلی)، خلأهای حقوقی جدی در تعیین مسئولیت کیفری کودک - سربازان ایجاد کرده است. پرونده دومینیک اونگون به عنوان کودک - سرباز سابق و فرمانده ارتش مقاومت خداوند، تجلی عینی این چالش‌هاست. تحلیل این پرونده نشان می‌دهد که نظام حقوقی بین‌المللی در مواجهه با دوگانگی نقش کودکان سرباز (هم بزه‌کار و هم بزه‌دیده) دچار سردرگمی شده است. در حالی که ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۲۶ اساسنامه رم به‌کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده‌اند، رویه قضایی بین‌المللی در برخورد با کودکان بالای این سن فاقد وحدت رویه است.

اساسنامه رم در خصوص سربازگیری^۳ و مسئولیت کیفری کودکان سیاستی دوگانه اتخاذ کرده است. آستانه سنی کودک بودن در اساسنامه رم به ۱۵ سال تقلیل پیدا کرده و استفاده از افراد بالای ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه مشمول عنوان مجرمانه کودک - سرباز نمی‌شود. اما سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال به رسمیت شناخته شده است. این بدان معناست که جرایم ارتکاب یافته از سوی اشخاص زیر ۱۸ سال از شمول صلاحیتی این نهاد خارج است. در نتیجه افراد زیر ۱۸ سال حتی در فرض ارتکاب جرایم بین‌المللی فاقد مسئولیت کیفری هستند و دیوان قادر به تعقیب آن‌ها نیست. بنابراین، پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل مسئولیت کیفری کودک - سربازان، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا نظام عدالت کیفری بین‌المللی باید این کودکان را به‌عنوان مرتکبان جنایت محاکمه کند یا به‌عنوان قربانیانی مورد حمایت قرار دهد؟ چگونه می‌توان میان وضعیت بزه‌دیدگی و حمایت از کودکان که به دلیل اجبار، اکراه، عدم بلوغ روانی و سطح پایین رشد شناختی، خود قربانی مخاصمات مسلحانه هستند، و ضرورت پاسخگویی و مسئولیت کیفری آنان در قبال ارتکاب جنایات بین‌المللی توازن برقرار کرد؟

۱. ماده ۲۶ اساسنامه رم در خصوص عدم صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص کمتر از ۱۸ سال مقرر می‌دارد: دیوان نسبت به جرائم اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند، صلاحیت نخواهد داشت.
 ۲. ماده ۷ اساسنامه مقرر می‌دارد: دادگاه ویژه نسبت به اشخاصی که حین ارتکاب جرم انتسابی، کمتر از ۱۵ سال داشته‌اند، صلاحیت ندارد.

۳. سربازگیری ممکن است داوطلبانه و اختیاری یا اجباری و خودسرانه باشد. تفکیک آن‌ها مغایر پروتکل اول الحاقی و کنوانسیون حقوق کودک است (میرکمالی و پورحسن، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

هر چند این پژوهش بر مسئولیت کیفری اعمال ارتكابی در دوران بزرگسالی تأکید دارد. با این حال، تأثیر غیر مستقیم و روانی تجربیات دوره کودکی (به عنوان یک کودک - سرباز) بر ارتكاب همان جرایم در بزرگسالی، محور اصلی چالش‌های حقوقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر، پرسش اصلی نه بر سر مسئولیت کودکان زیر ۱۸ سال، که بر سر میزان مسئولیت بزرگسالانی است که ریشه‌های بزهکاری آنان در دوران کودکی و در وضعیت قربانی بودنشان شکل گرفته است. بنابراین، تمرکز ما در مقاله بر یافته‌های دیوان کیفری بین‌المللی در توصیف زندگی دومینیک اونگون از منظر برجسب‌های «قربانی» و «مرتکب»، استناد به دفاعیات، توجیحات، معاذیر و مبانی سلب مسئولیت کیفری و ارزیابی مختصری از قانون آنگونه که هست خواهد بود.

۱. مفهوم دوگانه کودک - سربازی

حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با پدیده کودک - سرباز در یک پارادوکس اساسی گرفتار شده است. این نظام حقوقی ناگزیر است در میانه دو نقش متضاد برای کودکان در درگیری‌های مسلحانه، موضعی اتخاذ کند: قربانیان بی‌دفاع اجبار و بهره‌کشی یا عاملان مستقیم جرائم بین‌المللی. این تقابل ذاتی، به رویکردهای تفسیری و عملی کاملاً متعارضی در عرصه بین‌المللی منجر شده است. از یک سو، چارچوب‌های حمایتی مانند کنوانسیون حقوق کودک، با تمرکز بر آسیب‌پذیری و حقوق بنیادین کودکان، بر جایگاه انحصاری آنان به عنوان «قربانی» پای می‌فشارند. در مقابل، نهادهای قضایی کیفری همچون دادگاه ویژه سیرالئون، برای کودک - سربازان بالای ۱۵ سال، مسئولیت کیفری در قبال اعمال مجرمانه‌شان قائل شده‌اند.

جریان اصلی فکری در نهادهای بین‌المللی، در درجه اول بر شناسایی کودکان به عنوان قربانیان مخاصمات مسلحانه پای می‌فشارد (Chrysostome & Kiyala, 2019: 164). این دیدگاه با ممنوعیت مطلق به‌کارگیری افراد زیر ۱۸ سال در صفوف نیروهای مسلح (اعم از رسمی و غیررسمی)، تقویت می‌گردد. برای نمونه، میشل درامبل کودکان سرباز را «قربانیان بی‌گناه و منفعل» توصیف می‌کند که توسط فرماندهان نظامی خود برای انجام «وظایف مرتبط با جنگ» مورد سوءاستفاده واقع می‌شوند (Drumbl, 2012: 28). با این وجود، مشاهدات میدانی و گزارش‌های مستند از مشارکت داوطلبانه برخی کودکان در گروه‌هایی چون داعش یا شبه‌نظامیان کلمبیا، نشان می‌دهد که این توصیف همواره منطبق با واقعیت نیست (Higgs, 2020: 140).

مفهوم «کودک - سرباز» دربرگیرنده طیف وسیعی از وظایف است و صرفاً به افرادی محدود نمی‌شود که سلاح حمل می‌کنند (Note, 2000: 512). اولین تعریف رسمی از این اصطلاح در سند اصول کیپ تاون یونیسف ۱۹۹۷ ارائه گردید. بر پایه این سند، کودک سرباز به هر شخص زیر ۱۸

سال اطلاق می‌شود که به هر شکل و عنوان (چه رسمی یا غیررسمی) به عضویت یک نیرو یا گروه مسلح درآمده باشد. این تعریف، نقش‌هایی چون آشپز، باربر، پیام‌رسان و هم‌چنین افرادی که این گروه‌ها را همراهی می‌کنند، دربرمی‌گیرد و حتی دخترانی که برای بهره‌کشی جنسی^۱ یا ازدواج اجباری گمارده شده‌اند، را نیز شامل می‌شود. بنابراین، دامنه آن فراتر از کودکی است که سلاح به دست می‌گیرد (UNICEF, Cape Town Principles, 1997).

این تعریف موسع در پروتکل اختیاری الحاقی ۲۰۰۰ به کنوانسیون حقوق کودک در مورد به‌کارگیری کودکان در درگیری‌های مسلحانه نیز مورد تأیید قرار گرفت. ماده ۲ این پروتکل، کلیه افراد زیر ۱۸ سالی که توسط نیروهای مسلح دولتی یا گروه‌های شبه‌نظامی به خدمت گرفته می‌شوند (OPAC, 2000: Art. 2)، صرف‌نظر از ایفای نقش رزمی یا غیررزمی، مشمول عنوان کودک-سرباز می‌داند (Drumbl, 2012: 48) حتی کمیته حقوق کودک در تفسیر عمومی شماره ۲۴ (۲۰۱۹) خود تصریح کرده که به‌کارگیری کودکان توسط گروه‌های تروریستی نظیر داعش نیز مصداق بارز این پدیده است (CRC/C/GC/24: para. 22).

اساسنامه رم در ماده ۸(ب)(۲۶)، بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح یا به‌کارگرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی را مشمول جرم سربازگیری و از این رو به عنوان یک جنایت جنگی معرفی می‌کند. دیوان در پرونده توماس لوبانگا^۲ با تفسیر این ماده تأکید نمود که «استخدام یا به‌کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال»، فارغ از نقش آن‌ها (رزمی یا غیررزمی و حتی مشارکت غیرمستقیم)، واجد وصف جنایی (جنایت جنگی) است (ICC-01/04-01/06: para. 618). این تفسیر، فراتر از چارچوب‌های سنتی عمل کرده و دامنه شمول جرم را به طور قابل توجهی گسترش داده و حتی کودکان مورد استفاده در آشپزی یا پشتیبانی (نقش‌های غیررزمی) را نیز شامل می‌شود.

حقوق بین‌الملل کیفری، تنها بزرگسالان را موضوع مستقیم جرم به‌کارگیری کودکان سرباز قرار داده و خود این کودکان را از دایره مسئولیت کیفری برای ارتکابی مستثنی کرده است. اساسنامه رم مطابق ماده ۲۶، پیگرد افراد زیر ۱۸ سال را در زمان ارتکاب جرم ممنوع کرده است. این امر به ایجاد یک «خلأ حقوقی سه‌ساله» (۱۵ تا ۱۸ سال) منجر می‌شود که در آن، کودکان نه به عنوان قربانی

۱. بهره‌کشی جنسی از کودکان یعنی درگیرشدن کودک در فعالیتهای جنسی که کودک از نظر رشد آمادگی لازم برای انجام آن را ندارد و نمی‌تواند آگاهانه به آن رضایت دهد (احسان‌پور و قدمی، ۱۴۰۳: ۵).

۲. قضیه توماس لوبانگا مورخ ۱۴ مارس ۲۰۱۲، نخستین رأی دیوان در مبحث نام‌نویسی، سربازگیری و به‌کارگیری کودکان سرباز در مخاصمات مسلحانه بود (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۱۸۹).

تحت حمایت کامل قرار می‌گیرند و نه به عنوان مرتکب قابل پیگرد قانونی هستند. در مقابل، دادگاه ویژه سیرالئون مطابق ماده ۷ اساسنامه خود، صلاحیت رسیدگی به جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال را داشت، اما دادستان این دادگاه با استناد به ملاحظات روانی - اجتماعی، تعقیب این گروه سنی را «امری غیرعملی و ناعادلانه» اعلام نمود.

۲. پاسخ‌های نظام عدالت بین‌المللی به پدیده کودک - سربازی؛ رویکرد کیفری در برابر

رویکرد ترمیمی

در نظام حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی، مسئله مسئولیت کیفری کودکان سرباز با چالش‌های اساسی مواجه است. دیوان با پذیرش چارچوب حمایتی و منطبق بر اصول حقوق بشر، سن هجده سالگی را به عنوان مرز مسئولیت کیفری در نظر گرفته و کلیه اشخاص زیر این سن را به طور مطلق از شمول مسئولیت کیفری معاف نموده است. این نگرش که با مفاد ماده ۲۶ اساسنامه رم و نیز اصل منافع عالی‌ه کودک (Owiso, 2020: 250) همخوانی دارد، کودکان سرباز را منحصراً در جایگاه قربانیان منازعات مسلحانه قرار می‌دهد. در مقابل، رویکردی موسوم به مسئولیت نسبی وجود دارد که با تأکید بر ارزیابی موردی ظرفیت شناختی و سطح رشد روانی - اجتماعی هر فرد، برای کودکان گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال، مسئولیت کیفری تقلیل یافته قائل است. این چارچوب به دادگاه‌های داخلی کشورها این امکان را می‌دهد تا با در نظرگیری شرایط خاص هر کودک و تأثیرات محیط خشن نظامی، به جرایم ارتكابی آنان رسیدگی نمایند. برای افراد بالای ۱۸ سال نیز مسئولیت کیفری کامل اعمال می‌شود، با این تفاوت که سابقه کودک - سربازی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تخفیف‌دهنده مجازات مدنظر قرار گیرد.^۱

تا پیش از تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون، هیچ یک از اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی و حتی کنوانسیون‌های بین‌المللی، مقررهای صریح در تعیین حداقل سن مسئولیت بین‌المللی کیفری ارائه نکرده بودند (Schabas, 2016: 591). مشکل بنیادین در این عرصه، ناهماهنگی میان اسناد بین‌المللی است که از یک سو در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مرز ۱۵ سالگی و از سوی دیگر در

۱. لازم به تأکید است که صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری، ماهیتی تکمیلی دارد. این بدان معناست که مسئولیت اولیه برای محاکمه جرایم، متوجه دولتها است. دیوان تنها زمانی وارد عمل می‌شود که دولتها ناتوان یا تمایلی به محاکمه نداشته باشند (پیری، ۱۴۰۲: ۲۷۵). بنابراین، هنگامی که اساسنامه رم به‌کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال را جنایت جنگی می‌داند، آن کودک را قربانی یک جنایت بین‌المللی می‌شناسد. از سوی دیگر، منع صلاحیت دیوان برای رسیدگی به جنایات افراد زیر ۱۸ سال به این معنی نیست که این افراد از هر گونه مسئولیت کیفری میرا هستند، بلکه صلاحیت رسیدگی به آن‌ها در اختیار نهادهای ملی قرار دارد.

اسناد حقوق بشر، مرز ۱۸ سالگی را به عنوان معیار تعیین ملاک کرده‌اند. این ناهمگونی به ایجاد استانداردهای دوگانه در محاکم بین‌المللی انجامیده و ضرورت یافتن توازن میان حمایت از کودکان و اجرای عدالت برای قربانیان جرایم شدید را عیان می‌سازد.

بر این اساس، به‌کارگیری افراد بالای ۱۵ سال در درگیری‌های مسلحانه، فاقد وصف مجرمانه کودک - سربازی می‌گردد (Grover, 2012: 62). در این پارادایم، کودکان زیر ۱۵ سال به دلیل فقدان بلوغ فکری و رشد اخلاقی کافی (Jorgensen, 2012: 676) و نیز عدم برخورداری از اهلیت ذهنی لازم، به طور کلی از مسئولیت کیفری مبرا هستند. چنین افرادی صرفاً در زمره قربانیان شناخته می‌شوند و نه بزهکار (Ambos and Triffterer, 2019: 1036)، افزون بر این، ماده ۲۶ اساسنامه رم، با نفی صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص زیر ۱۸ سال، به تثبیت تصویر کودکان به عنوان موجوداتی منفعل، بی‌گناه و قربانی کمک کرده است. البته عدم صلاحیت دیوان و نفی مسئولیت کیفری بین‌المللی کودکان، به معنای نادیده گرفتن مطلق مسئولیت آنان نیست. کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال اگرچه خارج از حیطه صلاحیت دیوان هستند، اما با توجه به دارا بودن سطحی از تشخیص نسبی و با در نظر گرفتن معیارهای فردی مانند بلوغ روانی - اجتماعی و اثرات محیط نظامی، می‌توانند از مسئولیت کیفری محدود یا تقلیل‌یافته‌ای (با اولویت هدف بازپروری) برخوردار باشند و در چارچوب دادگاه‌های ملی^۱ تا آنجا که قانون داخلی دولت‌ها اجازه محاکمه کودکان را می‌دهند، مورد پیگیری قانونی قرار گیرند (Clark and Triffterer, 2015: 1036).

به جای تکیه صرف بر یک معیار سنی ثابت، راهکار بدیل، حرکت به سمت نظامی تدریجی برای سنجش مسئولیت کیفری است که به صورت هم‌زمان، هم فاکتور سن و هم شاخص‌های و رشد روانی - اجتماعی را مورد توجه قرار دهد. تحقق این امر مستلزم تقویت قابلیت دادگاه‌های

۱. یک چالش بنیادین در مسئله کودک-سربازان، تقابل صلاحیت و رویکردهای حقوق ملی و بین‌المللی است. اساسنامه رم با تعیین سن ۱۸ سال برای صلاحیت شخصی دیوان، عملاً رسیدگی به جرایم افراد زیر این سن را به سیستم‌های قضایی ملی واگذار می‌کند. اینجاست که تداخل مفهومی رخ می‌دهد: بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی (مانند فرانسه، یونان یا استرالیا) امکان محاکمه نوجوانان بالای ۱۵ یا ۱۶ سال را برای جرایم بسیار شدید فراهم می‌کنند (Bourtzis, 2023: 24). بنابراین، ممکن است فردی که از منظر دیوان بین‌المللی کیفری قربانی محسوب می‌شود (زیر ۱۸ سال)، در یک دادگاه ملی به عنوان بزهکار و دارای مسئولیت کیفری نسبی مورد محاکمه قرار گیرد. این دوگانگی، نیازمند هماهنگی بیشتر میان اسناد بین‌المللی و قوانین ملی است تا از ایجاد خلأ مسئولیت یا تعقیب مضاعف جلوگیری شود. پرونده اونگون خوشبختانه این تعارض را ایجاد نکرد، زیرا تمامی اتهامات مربوط به دوران پس از ۱۸ سالگی او بود.

داخلی برای دادرسی منصفانه و همچنین اصلاح مقررات فعلی برای ایجاد هماهنگی بیشتر در عرصه بین‌المللی است. این تقابل دو رویکرد، نشان‌دهنده تنشی ساختاری میان ملاحظات حمایتی و ضرورت تحقق عدالت در حقوق بین‌الملل است که حل آن مستلزم بازاندیشی عمیق و برقراری توازن میان این دو ارزش به ظاهر متعارض می‌باشد.

۳. مسئولیت مافوق یا فرماندهی نظامی و فقدان مسئولیت کیفری کودکان

رد مسئولیت کیفری کودکان با این مفهوم همراه است که مسئولیت باید متوجه کسانی باشد که در موقعیت اقتدار قرار داشته و فعالیت‌های خشونت‌آمیز را برنامه‌ریزی و هدایت می‌کنند؛ مطابق دکترین مسئولیت فرماندهی.

دکترین مسئولیت فرماندهی مقرر می‌دارد که یک فرمانده نظامی یا مافوق در یک گروه شورشی یا سازمان تروریستی، باید از نظر کیفری در قبال جرایم ارتكابی توسط سربازان خردسال مسئول شناخته شود، بدون اینکه نیاز به مشارکت مستقیم یا شخصی وی باشد. بر این اساس، کودکان به عنوان کسانی که بیشترین مسئولیت را در قبال جرایم ارتكابی ندارند، از شمول مسئولیت مستثنی شده‌اند. در واقع، تمام بار مسئولیت باید متوجه استخدام‌کنندگان کودکان باشد؛ اولاً برای ارتكاب جنایت جنگی از طریق استخدام خردسالان و تبدیل آنان به «قربانی»، و ثانیاً برای کنترل ارتكاب جنایات تحت نظارتشان. با توجه به زبان پروتکل اختیاری، اساساً باید امکان مسئولیت کیفری کودکان را منتفی دانست.

اگرچه کودکان خارج از صلاحیت شخصی دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند، مقررات دادگاه ویژه سیرالئون همان دامنه و میزان مسئولیت کیفری فردی را در صلاحیت خود تعیین کرده است. ماده ۳۳ اساسنامه رم که مربوط به دستور مقامات مافوق است را می‌توان به عنوان یک بند کلیدی در نظر گرفت که ممکن است به «قربانی‌سازی» کودکان کمک کند. بر اساس مقررۀ فوق، یک شخص می‌تواند از مسئولیت کیفری معاف شود اگر جرمی را تحت دستور دولت یا مافوق خود مرتکب شده باشد، در حالی که یا انجام آن وظیفه قانونی وی بوده یا دستور صادره به طور واضح برای وی غیرقانونی نبوده است. شایان ذکر است که در مقایسه با مقررات اساسنامه رم، اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون فاکتورهای لازم برای تعیین مسئولیت افراد تحت فرمان را به صورت شمارشی ذکر نکرده است. برعکس، مؤلفه مذکور می‌تواند به عنوان عامل تخفیف‌دهنده در نظر گرفته شود، نه راهی برای اعطای عفو.

آگاهی از غیرقانونی بودن یک فعالیت ارتباط تنگاتنگی با عنصر روانی جرم، عنصر ضروری تشکیل‌دهنده جرم جنایات جنگی، دارد. مطابق با متن اساسنامه رم که عنصر روانی سنتی کامن‌لا (ذهن مجرمانه) را تثبیت کرده است، شخص باید هم قصد ارتكاب جرم را داشته باشد و هم از پیامدهای

بعدی آن آگاه باشد. با این حال، اعمال عنصر روانی جرم بر کودکان غیرقابل تطبیق تلقی می‌شود. به دلیل سطح پایین رشد روانی و ذهنی کودکان، تشخیص درست از نادرست یا مقاومت در برابر دستورات مافوق برای آن‌ها دشوار است (Nobert, 2011: 38). در عین حال، پس از پیوستن به نیروهای نظامی، کودکان از طریق چرخه خشونت مستمر، ذهنیت نظامی پیدا می‌کنند. علاوه بر این، کودکانی که با خشونت آشنا شده‌اند، آن را به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف شخصی با درک روشنی از پیامدهای فوری آن می‌بینند (Higgs, 2020: 140).

مطابق بند الف و ب ماده ۲۸ اساسنامه رم، برای مسئولیت فرماندهی کافی است که فرمانده نظامی نسبت به جرایم نیروها یا زیردستانی که تحت فرماندهی و کنترل واقعی یا مؤثر او هستند کنترلی که می‌بایست اعمال نماید، اعمال نکرده باشد. و این در مواردی است که فرمانده با توجه به اوضاع و احوال قضیه می‌دانسته یا باید می‌دانسته است که نیروها یا زیردستان تحت امر او جرم مذکور را مرتکب شده و یا قریباً مرتکب خواهند شد، و فرمانده همه اقدامات لازم و معقولی را که در توانش بوده برای جلوگیری از جرم یا منع از انجام آن یا برای طرح مسئله نزد مقامات صلاحیت‌دار به منظور انجام تحقیق و تعقیب انجام نداده است. اگر امکان اعمال این مقرر بر فرمانده‌ای که از کودک سربازان استفاده می‌کند ممکن باشد، آن‌ها حتی اگر نتوانند نقض حقوق مخاصمات مسلحانه را پیش‌بینی نمایند (اما می‌توانستند پیش‌بینی کنند) ممکن است مسئول شناخته شوند. مزیت اصلی اجرای مسئولیت فرمانده، گسترش مسئولیت کیفری مافوق نظامی به مواردی از غفلت صرف خواهد بود (Weigend, 2023: 14).

۴. گفتمان دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه دومینیک اونگون

۴-۱. مروری بر حیات و محاکمه اونگون

دومینیک اونگون، متولد اوگاندا، فرمانده و افسر سابق گروه اعتراضی و شورشی موسوم به ارتش مقاومت خدا^۱ بود؛ مردی اوگاندایی تبار که کودکی اش را با خدمت در این گروه به عنوان کودک سرباز آغاز و پس از گذراندن اتفاقاتی مهیب، در نهایت خود نیز دست به ارتکاب جرایم و جنایات بین‌المللی‌ای زد که منجر به صدور رأی دیوان کیفری بین‌المللی در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۱ در محکومیتش و در تاریخ ۶ می ۲۰۲۱، در مورد میزان مجازاتش شد.

ریشه‌های پرونده دومینیک اونگون به دهه ۱۹۸۰ و شکل‌گیری گروه‌های شورشی در مخالفت با حکومت مرکزی وقت اوگاندا باز می‌گردد. در این بستر پرتنش، اعتراضات گسترده نه تنها موجب به‌کارگیری اونگون به عنوان کودک سرباز گردید، بلکه بعدها خود وی به عاملی برای تداوم و گسترش

1. Lord's Resistance Army

این درگیری‌ها تبدیل شد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، مخالفت‌ها با نظام حاکم در شمال اوگاندا منجر به تشکیل ارتش مقاومت ملی علیه ارتش آزادی‌بخش ملی شد. پس از به قدرت رسیدن این گروه، دولت جدید با عنوان جنبش ملی مقاومت^۱ شناخته شد. در مقابل، نیروهای سابق ارتش آزادی‌بخش ملی اوگاندا، سازمان جدیدی با نام ارتش دموکراتیک خلق اوگاندا^۲ تأسیس کردند تا قدرت از دست رفته را بازپس گیرند. توافقنامه صلح سال ۱۹۸۸ بین دولت و ارتش دموکراتیک خلق اوگاندا، تحول چشمگیری در صحنه سیاسی ایجاد کرد. با انعقاد این پیمان، تنها گروه مبارز باقیمانده در عرصه منازعات، تحت رهبری اودونگ لاتک و جوزف کُنی به فعالیت خود ادامه دادند. پس از کشته شدن لاتک در سال ۱۹۹۰، این تشکیلات تحت هدایت جوزف کُنی با نام جدید «ارتش مقاومت پروردگار» به مبارزات خود ادامه داد.

در سال ۱۹۸۷ یا ۱۹۸۸ و در زمانی که دومینیک اونگون حدوداً ۹ سال داشت، توسط این گروه به عنوان سرباز به کار گرفته شد. بعدها اونگون در پی چرخش‌های صورت گرفته در فرماندهی گروه ارتش مقاومت خدا و ارتقای قابل توجهش در این گروه، فرماندهی این گروه را به دست گرفت و در این مقام، اعمالی را مرتکب شد که موضوع رسیدگی در دیوان بین‌المللی کیفری قرار گرفت. واحد تحت فرمان اونگون به طور منظم کودکان را می‌ربود و آن‌ها را مجبور می‌کرد مجازات‌هایی را بر سایر ربوده‌شدگان اعمال کنند (ICC, Dominic Ongwen, 2021: paras.99-100). به طرز متناقضی، اونگون مسئول آغاز کردن کودکان همان وحشت‌هایی بود که خود تجربه کرده بود. این نوع اقدامات این سؤال را مطرح می‌کند که درک ذهنی اونگون از درست و نادرست، قانونی و غیرقانونی چه بوده است.

پرونده دومینیک اونگون با مجموع ۷۰ فقره اتهام در سال ۲۰۰۳ مطرح شد (Ibid: Paras.1-41). در جولای ۲۰۰۵ دیوان حکم جلب رهبر شورشیان جوزف کُنی و چهار نفر از فرماندهان او از جمله آنگون را صادر کرد (ICC Press Release, 2005). ده سال بعد از صدور کیفرخواست آنگون دستگیر شد و اولین جلسه محاکمه وی در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۵ در دیوان لاهه برگزار گردید.

در ۴ فوریه ۲۰۲۱، هیئت قضایی نهم دیوان کیفری بین‌المللی او را به ۶۱ فقره از این جنایات که بین ۱ ژوئیه ۲۰۰۳ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵ در اوگاندا مرتکب شده بود، محکوم نمود (Ibid: paras. 33,36). جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت وی به چهار دسته عمده تقسیم شد: (الف) جنایات ارتكابی به سبب حملات نظامی به اردوگاه‌های آوارگان داخلی که منجر به قتل، بردگی، شکنجه،

1. NRM
2. UPDA

تخریب اموال، آزار و شکنجه و ... شد؛ (ب) جرایم جنسی علیه ۷ نفر از زنانی که ربوده و در خانه او زندانی شده بودند از جمله تجاوز، بارداری اجباری، شکنجه، بردگی و ...؛ (ج) موارد دیگری از جرایم جنسی و جنسیتی علیه دختران و زنان تیپ محل خدمت او، از جمله تجاوز، بردگی، شکنجه و ...؛ و (د) به‌کارگیری و استفاده از کودکان زیر ۱۵ سال به عنوان سرباز و در جهت انجام عملیات نظامی.

۴-۲. دومینیک اونگون: قربانی یا مجرم؟

پروندهٔ دومینیک اونگون به دلیل پیچیدگی‌های حقوقی و اجتماعی مرتبط با کودکان سرباز به یک پروندهٔ نمادین تبدیل شده است. اونگون که در ۱۳ سالگی توسط ارتش مقاومت خدا ربوده شد (Dominic Ongwen, 2005: 4)، ابتدا به عنوان قربانی جرم جنگی استخدام یا به‌کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال (مطابق ماده ۸ اساسنامه رم) شناخته می‌شد (Gacka, 2020: 81). دیوان در پروندهٔ لوبانگا تصریح کرده بود که ربودن و به‌کارگیری کودکان زیر ۱۵ سال، صرف نظر از رضایت یا اجبار، جرم محسوب می‌شود (ICC, Thomas Lubanga, 2012: para.618). تأثیر مخرب این جرم بر زندگی بسیاری از نوجوانان در این قضیه مورد تأکید قرار گرفت (ICC, Lubanga, 2009). به احتمال زیاد، ربودن اونگون نیز تأثیری به‌همان اندازه مخرب بر او به عنوان یک کودک داشته است. با این حال، داستان و مسیر زندگی اونگون در جهت مخالف تأیید صرف وضعیت قربانی بودنش حرکت می‌کند. اونگون ۱۷ سال در این گروه مسلح باقی ماند و به پست فرماندهی ارشد رسید (Dominic Ongwen, 2016: para.58). از این مدت، تنها ۲ سال (تا ۱۵ سالگی) مشمول ممنوعیت صریح اساسنامهٔ رم بود. پس از ۱۸ سالگی، او دیگر مشمول ماده ۲۶ اساسنامه (معافیت افراد زیر ۱۸ سال از تعقیب) نبود. دیوان در نهایت او را به دلیل ارتکاب جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت (از جمله به‌کارگیری کودکان سرباز و بردگی) محکوم کرد، در حالی که خودش قربانی همین جرایم در کودکی بود (Dominic Ongwen, 2015: para.136).

پروندهٔ مذکور به روشنی تقابل میان دو وضعیت متناقض‌نما یعنی قربانی و مجرم را عیان می‌سازد: از یک منظر، تجربیات دوران کودکی اونگون از جمله اقدامات شست‌وشوی مغزی سیستماتیک، ممکن است بر افکار و اعمال وی در بزرگسالی سایه افکنده باشد. این تجربیات، زمینه‌ساز کاهش درجهٔ مسئولیت اخلاقی و کیفری او محسوب می‌شوند. در مقابل، این واقعیت نیز غیرقابل اغماض است که وی در مقام یک فرمانده مستقل و صاحب اختیار، با آگاهی و اراده، مرتکب جنایات بین‌المللی شده است. این جنبه از شخصیت اول، مسئولیت مستقیم و تام او را در قبال اعمال ارتكابی اثبات می‌کند. بنابراین، این پرونده در قالب یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم حقوق کیفری بین‌المللی، یعنی تقاطع میان قربانی بودن و مرتکب شدن، قرار داد. مسلماً، برچسب قربانی

یا مرتکب نه تنها از منظر آیین دادرسی، بلکه در حقوق کیفری ماهوی نیز حائز اهمیت است. پرونده اونگون نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل باید میان حمایت از قربانیان کودک و مسئولیت کیفری بزرگسالان مرتکب جنایت تعادل برقرار کند. اگرچه پیشینه قربانی بودن می‌تواند در تخفیف مجازات مؤثر باشد، اما توجیه‌کننده کامل جرایم ارتكابی نیست. این پرونده الگویی برای برخورد با موارد مشابه در آینده است.

۳-۴. مسئولیت کیفری بین‌المللی سرباز کودک سابق در زمان بزرگسالی

۳-۴-۱. **کودکان به عنوان مرتکبان جنایات بین‌المللی؛ بررسی وضعیت دوگانه بزهکار-بزه‌دیده**
کودکان تنها قربانی نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیستند، بلکه خود نیز می‌توانند ناقض حق دیگران باشند. کودکان مجموعه‌ای از توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را دارا هستند. از این رو، ایشان در بستر بحران‌های مولد جرائم بین‌المللی هم می‌توانند در نقش بزهکار ظاهر شوند و هم بزه‌دیده. نظام حقوقی دیوان در هر دو وضعیت یعنی بزهکاری و بزه‌دیدگی سیاست ویژه‌ای نسبت به کودکان اتخاذ کرده است و بزه‌دیدگی ایشان را در فرض بزهکاری نیز نایده نمی‌گیرد؛^۱ سیاستی که در هر حال مبتنی بر حمایت از کودکان و بزه‌دیدگی ایشان است.

هر چند کودکان در دیوان پاسخگویی اعمال مجرمانه خود نیستند، لیکن اگر ایشان با عبور از دوران کودکی به جنایت‌های خود ادامه بدهند، مانعی در مسیر پاسخگویی ایشان در دیوان وجود نخواهد شد. با این حال پیشینه کودکی بزهکار می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مخففه جرم در نظر گرفته شود. نمونه بارز این وضعیت در دیوان مسئله کودکی سربازی است. کودکان سرباز بزه‌دیدگانی هستند که کودکی‌شان قربانی جنگ‌افروزی بزرگسالان شده است. اما در عین حال یافته‌های بیرونی و گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که کودک سربازان خود مرتکب جنایت‌های هولناکی نیز می‌شوند (Stahn, 2019: 314). در برابر چنین وضعیتی یک دوراهی ایجاد می‌شود؛ محاکمه بزهکاری که خود در کودکی بزه‌دیده بوده یا چشم بستن بر بزه‌پیشگی دوران بزرگسالی در پرتو کودکی از دست رفته است. راهی که دیوان در مواجهه با این دوراهی برگزیده است، از یک سو عدم مسئولیت کیفری کودک سربازان نسبت به جرایم ارتكابی یافته تا آستانه ۱۸ سالگی است. اصول و دستورالعمل راجع به کودکان مرتبط با نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح موسوم به اصول پاریس ۲ نیز همین

۱. بزه‌دیده در تمامی فرایند دادرسی کیفری از حقوقی برخوردار است، این حقوق از حیث منشأ به حقوق طبیعی و حقوق قانونی می‌توان متصل نمود (شهسواری و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۲۸).

2. Principles and Guidelines on Children Associated with Armed Forces or Armed Groups (The Paris Principles).

رویکرد را برگزیده است. بر اساس اصول پاریس کودک سربازانی که مرتکب بزه می‌شوند، باید به عنوان قربانی جرایم علیه حقوق بین‌الملل قلمداد شوند و نه تنها به عنوان بزه‌کار (Paris Principles, 2007:3.6). از سوی دیگر، دیوان مسئولیت کیفری نسبت به رفتارهایی که بعد از رسیدن به آستانه سن مسئولیت ادامه یافته را مورد پذیرش قرار داده است. در این وضعیت مرتکب تا ۱۸ سالگی فاقد مسئولیت است، اما بعد از آن پاسخگویی اعمال خود خواهد بود و استناد به اینکه خود در دوران کودکی قربانی بوده است، رافع مسئولیت وی نخواهد شد. در فرایند رسیدگی به پرونده دومینیک اونگون در دیوان وضعیت دوگانه متهم یعنی بزه‌کار و بزه‌دیده بودن وی مورد چالش واقع شد. اونگون اگرچه به عنوان یک مقام ارشد نظامی در گروه ارتش مقاومت خدا متهم به ارتکاب جرائم جنگی و از آن جمله کودک سربازی شده بود، خود پیشتر در زمان کودکی اش مورد ربایش واقع شده و به اجبار به عضویت این گروه مسلح سازمان یافته درآمده بود (Talbert and Wolfendale, 2018). همین سابقه موجب شد که وکلای متهم پیش از آغاز دادرسی صلاحیت دیوان را به چالش بکشند و خواستار رد پرونده اونگون در دیوان شدند. استدلال وکلا آن بود که موکل ایشان به عنوان یک کودک سرباز سابق باید مشمول حمایت‌های ناظر بر کودکان و از آن جمله عدم مسئولیت کیفری باشند. اما شعبه مقدماتی با بیان اینکه این ادعا هیچ مبنای حقوقی ندارد، اعتراض وکلا را رد کرد (ICC, PTC II, 2016: 150). بنابر اساسنامه رم، جرایمی که کودک سربازان مرتکب می‌شوند تا زمان رسیدگی به آستانه ۱۸ سالگی خارج از صلاحیت دیوان است. اما اونگون پس از ۱۸ سالگی نیز در ارتش مقاومت خدا باقی مانده و به رفتارهای مجرمانه خود ادامه داده بود. از این رو، رفتارهای مجرمانه بعد از ۱۸ سالگی وی قابل تعقیب قلمداد شد. در آغاز جلسه تأیید اتهامات اونگون، دادستان دیوان سابقه روده شدن و به‌کارگیری متهم در ارتش مقاومت خدا را مورد اشاره و پذیرش قرار داد. با این حال، خانم دادستان این شرایط را تنها به عنوان عامل مخففه احتمالی هنگام تعیین مجازات و در فرض محکومیت اونگون و نه به عنوان مانعی در پاسخگویی او دخیل دانست (ICC, OTP, 2016). بند ۱ ماده ۷۸ اساسنامه رم به صراحت شرایط فردی متهم را از عوامل دخیل در تعیین مجازات می‌داند. از این حیث، پیشینه کودکی و بزه‌دیدگی سابق می‌تواند در تعیین مجازات و فروکاستن از آن مؤثر افتد که خود باز نوعی سیاست و رویکرد حمایتی نسبت به کودکان و پذیرش بزه‌دیدگی ایشان محسوب خواهد شد.

۴-۳-۲. آیا کودک سربازان سابق وصف قربانی بودن را از دست می‌دهند؟

دیوان بین‌المللی کیفری مسئولیت کیفری افراد بالای ۱۸ سال را به رسمیت می‌شناسد، اما پیشینه قربانی بودن کودکان سرباز می‌تواند در تخفیف مجازات مؤثر باشد. اگرچه گفتمان بشردوستانه آن‌ها را از مسئولیت معاف می‌دارد (نیاموتاتا، ۱۳۹۹: ۳۸۹)، با این حال، برخی معتقدند دیدگاه حقوق

بین‌الملل نسبت به کودکان سرباز، آن‌ها را صرفاً به عنوان قربانیان منفعل و بی‌گناه تصویر کرده و از توجه به عاملیت و انتخاب آن‌ها غافل مانده است (Drumbl, 2012: 142).

پرونده‌های لوبانگا و اونگون دو رویکرد متفاوت را نشان می‌دهند: در پرونده لوبانگا، دیوان تأکید کرد که وصف قربانی بودن کودکان سرباز حتی پس از بزرگسالی ادامه دارد، زیرا تجربیات دوران کودکی، تأثیرات ماندگاری بر زندگی آن‌ها دارد (Lubanga Conviction Decision: para 618). اما در پرونده اونگون، با وجود پذیرش سابقه قربانی بودن اونگون (رپوده شدن در ۹ سالگی و شست‌وشوی مغزی توسط ارتش مقاومت خدا)، مسئولیت کیفری او به‌عنوان یک فرمانده جنایتکار بالغ مورد تأکید قرار گرفت. دادستان دیوان فاتو بنسودا استدلال کرد که اگرچه اونگون در کودکی قربانی بوده و این امر باعث تحفیف در مجازات وی می‌شود، اما در بزرگسالی با اراده خود مرتکب جنایات وحشتناکی شده و نمی‌تواند با توسل به دفاعیات به‌طور کامل از مسئولیت بگریزد (ICC, Fatou Bensouda, 2016).

با وجود این، وکلای مدافع اظهار داشتند به خدمت گرفتن اجباری اونگون به عنوان کودک سرباز را نمی‌توان فقط به‌عنوان جهات مخففه جرم در دادگاه هنگام صدور حکم، در نظر گرفت (Dominic Ongwen, 25 May 2016: para.36). در واقع، چالش اصلی این بود که آیا می‌توان کودکان سرباز سابق را صرفاً به‌عنوان قربانی دید، در حالی که برخی از آن‌ها در بزرگسالی به‌صورت فعال در جنایات مشارکت داشته‌اند؟ آیا حقوق بین‌الملل باید میان قربانی بودن در کودکی و مسئولیت کیفری در بزرگسالی تعادل برقرار کند؟

دیوان در پرونده آنگون با یافته‌های پرونده لوبانگا در مورد تأثیر مخرب و مداوم تحت اجبار بودن در کودکی در یک گروه مسلح خشن و معاشرت در آن مخالفت نمود و در پیش‌نشست دوم صرفاً وضعیت اونگون در بزرگسالی را مورد بررسی قرار داد گویا او هرگز کودک سرباز نبوده است. تضاد بین پرونده لوبانگا و آنگون منعکس‌کننده ضعف حقوق کیفری به‌خصوص در مفهوم‌سازی کودک‌سربازی و در پرونده آنگون عموماً در مفهوم‌سازی دوران بین قربانی - مجرم است. به نظر می‌رسد رویکرد انعطاف‌پذیرتری نیاز است که هم حقوق قربانیان را به رسمیت بشناسد و هم مسئولیت فردی را در مواردی که فرد با آگاهی مرتکب جنایت شده، در نظر بگیرد. پرونده اونگون نشان می‌دهد که قربانی بودن در گذشته، مسئولیت فعلی را کاملاً منتفی نمی‌کند، اما می‌تواند در تعیین مجازات عادلانه مؤثر باشد.

۴-۴. پرونده اوتگون و واکاوی اهلیت کیفری ۴-۴-۱. رأی دیوان درباره اهلیت کیفری اوتگون

دیوان در مورد بیماری روانی به عنوان دلیلی برای سلب مسئولیت کیفری اوتگون، تصمیم گرفت. در این خصوص، دیوان عمدتاً به گزارش‌های کارشناسی و شهادت متخصصان روان‌پزشکی و سلامت روان تکیه کرد که با شواهد دیگری مانند شهادت شاهدان در طول محاکمه تأیید شد (ICC, Dominic Ongwen, 2021: paras 2456-2457). دیوان همچنین شواهد کارشناسی ارائه‌شده توسط پروفسور اووگا و دکتر آکنا را به دلایل تعارض منافع (آن‌ها هم‌زمان بیماران اوتگون بودند)، کاستی‌های روش‌شناسی علمی، اتکا به شواهد پراکنده و نتایج متناقض رد کرد (Ibid: paras 2528, 2539). این دو کارشناس ادعا کرده بودند که اوتگون از بیماری افسردگی شدید، اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، اختلال تجزیه‌ای (شامل مسخ شخصیت و اختلال هویت تجزیه‌ای)، افکار خودکشی شدید و خطر بالای خودکشی، فراموشی تجزیه‌ای و علائم اختلال وسواس فکری - عملی رنج می‌برد (Ibid: para. 2450). بر پایه استدلال آن‌ها، اختلالات مذکور که مستقیماً ناشی از آسیب‌های دوران کودکی قلمداد می‌شد، ظرفیت عقلانی متهم برای استدلال را به کلی مختل نموده بود. این آسیب چنان بنیادین بود که وی را از هرگونه توانایی درک عدم مشروعیت یا ذات واقعی کنش‌های خود محروم ساخته بود (ICC, 2021: para.537).

عواملی که به ضربه‌های روانی گسترده او کمک کرده بودند، به‌طور مشخص محیط خشونت‌بار ارتش مقاومت خدا و قوانین «کار را انجام بده یا بمیر» آن بود که رشد اخلاقی طبیعی او را مختل کرده و اوتگون را با ذهنی کودک‌گونه و بدون اراده آزاد رها کرده بود (Ibid: paras 538, 547, 552). جوزف کُنی، رهبر ارتش مقاومت خدا، به دلیل «انعطاف‌پذیری اخلاقی» کودکان، ربودن آن‌ها را تشویق می‌کرد، هرگونه ارزش پیش از ارتش مقاومت خدا را سرکوب می‌کرد و به عنوان آیین آغازگری، قطع پیوندهای خانوادگی آن‌ها را به نفع خانواده جدیدشان در ارتش مقاومت خدا اجباری می‌کرد، جایی که ذهن کودک به گروه تعلق داشت. وکلای مدافع استدلال کردند که رشد اخلاقی اوتگون صرف‌نظر از بزرگسالی او، به‌طور دائمی مختل شده بود. به‌طور کلی، آن‌ها ادعا کردند که ظرفیت ذهنی اوتگون کاملاً از بین رفته بود و او قادر به تشکیل عنصر روانی لازم برای جنایات ادعا شده نبود (Dominic Ongwen, Defence Closing Brief: paras 566, 567, 572, 579, 600-601). از سوی دیگر، دادستان‌ها استدلال کردند که حتی اگر اوتگون از اختلالات روانی رنج می‌برد، این اختلالات توانایی ذهنی او برای عملکرد، درک و کنترل رفتار خود را از بین نبرده بود (ICC, 2021: Para.453). دیوان کیفری بین‌المللی همچنین ابراز می‌دارد که وضعیت پیش‌آمده برای اوتگون باعث از بین

رفتن فرصت‌های بسیاری در طول زندگی اش شده است. اما با توسل به آزمایش‌های پزشکی و گزارش‌های کارشناسان اعلام می‌کند که هیچ کدام از این اتفاقات و رویدادها، منجر به آسیب یا بیماری روانی نگردیده و وی در زمان ارتکاب جنایت سلامت عقلانی و روانی بوده است (Ibid: Para.2580). پروفیسور مزی خاطر نشان کرد که اگر اونگون دچار اختلال روانی ناتوان‌کننده بود، نمی‌توانست به‌طور مناسب عمل کند و در سلسله مراتب ارتش مقاومت خدا ارتقا یابد (Ibid: para.2473). دکتر آبو دریافت که متهم علیرغم سختی‌ها، رشد اخلاقی را به انجام رسانده بود و اخلاقیات بزرگسالی او بازتاب انتخاب شخصی بود، نه نتیجه از پیش تعیین شده ناشی از تربیتش (Ibid: Para.2480). پروفیسور وایرستال تأکید کرد که اگرچه اونگون وقایع آسیب‌زایی را در زندگی تجربه کرده بود و ممکن بود مستعد بروز اختلال روانی باشد، اما این اختلال به اندازه‌ای شدید نبود که ظرفیت‌های ذهنی و توانایی عملکرد صحیح او را از بین ببرد (Ibid: paras.2490-2491).

۴-۲-۴. سن و زمینه ارتکاب جرم؛ متغیرهای تعیین‌کننده در مسئولیت و کیفر اونگون

دفاعیات خانواده اونگون مبتنی بر این اصل است که وی در زمان وقوع وقایع، فاقد مسئولیت کیفری کامل بوده است. آنان با اشاره به ربوده شدن و به‌کارگیری اجباری اول در سال ۱۹۸۶ (در سن یازده سالگی) توسط ارتش، استدلال می‌کنند که اونگون بیش از آنکه یک مجرم باشد، یک قربانی است و بنابراین نمی‌توان او را به‌طور کامل مسئول اعمالی دانست که تحت آن شرایط انجام داده است. در این زمینه طرح عدالت و سازش پیشنهاد شده توسط سازمان غیردولتی عدالت انتقالی اوگاندا، این وضعیت استثنایی را این‌گونه توضیح می‌دهد: اونگون اولین فردی است که در حالی که یک جنایتکار است، یک قربانی نیز محسوب می‌شود. البته ادعاهای وی مبنی بر قربانی بودن، از پایه و اساس چندان محکمی برخوردار نیست، زیرا اتهامات وارد شده علیه او، ظاهراً مربوط به زمانی بوده که وی بیشتر از ۱۸ سال داشته است، از این رو، محرز است که مسئولیت به وی تحمیل می‌شد (Talbert and Wolfendale, 2018: 3).

یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در این پرونده، برقراری تناسب میان مجازات جرایم ارتكابی و شرایط متهم بود (محمود، ۱۴۰۱: ۱۱۲). دیوان با استناد به اصل ۱۴۵(ب) آیین دادرسی، تلاش کرد تا میان شدت جرم، کیفیات مخففه و مشدده، و وضعیت متهم تعادل ایجاد کند. در این راستا، پیشینه اونگون به عنوان یک کودک سرباز که در ۹ سالگی ربوده شده و تحت شستشوی مغزی و خشونت‌های شدید قرار گرفته بود، تأثیر قابل توجهی در رأی دیوان داشت (ICC, Dominic Ongwen, 2021: paras.6, 46-50).

شواهد نشان می‌داد که اونگون پیش از ربوده شدن، کودکی آرام و علاقه‌مند به تحصیل بود، اما

پس از آن مجبور به ارتکاب خشونت‌های وحشتناک شد (ICC, Dominic Ongwen, 2021: paras. 65-73). با این حال، دیوان مسئولیت کیفری او را به دلیل ارتکاب عمدی جرایم شدید (بدون اجبار یا بیماری روانی) محرز دانست. اگرچه محاسبه مجازات‌ها به صورت جداگانه به ۱۴۰۰ سال حبس می‌رسید، دیوان با توجه به استثنایی بودن حبس ابد در اساسنامه رم و لزوم حفظ امکان بازپروری متهم، به جای حبس ابد یا ۳۰ سال، با استناد به بند اول ماده ۷۸ اساسنامه رم مجازات ۲۵ سال حبس را تعیین کرد. همچنین، مدت بازداشت پیش از محاکمه نیز از این مدت کسر شد. دیوان در رأی خود رویکردی نوین را به نمایش گذاشته که در آن پیگیری عدالت کیفری با در نظرگیری عوامل انسانی و شرایط خاص فردی متهم (از جمله سابقه کودک سربازی، شرایط رشد و محیط ارتکاب جرم، عدم وجود سابقه کیفری و عوامل کاهش‌دهنده مسئولیت) تلفیق شده است. این رویکرد نشان‌دهنده پذیرش عدالت ترمیمی^۱ در کنار عدالت سزادهنده^۲ در حقوق بین‌الملل کیفری است.

۴-۳-۴. واکاوی استدلال دیوان در پذیرش یا رد دکترین مسئولیت تقلیل‌یافته

دیوان در رأی خود، استدلال مسئولیت تقلیل‌یافته متهم را به دلیل عدم اثبات کافی تأثیر اختلافات روانی بر ظرفیت ذهنی وی در زمان ارتکاب جرایم نپذیرفت. با این حال، دیوان ضربه‌های روانی وارده و شرایط خاص زندگی اونگون را به عنوان عوامل مؤثر در تخفیف مجازات مورد توجه قرار داد. مهم‌ترین دلایل ارائه‌شده برای اثبات مسئولیت تقلیل‌یافته عبارت بودند از: اختلافات روانی که برخی کارشناسان تأیید کردند بر رفتار اونگون تأثیر گذاشته بود، شرایط کودکی او به عنوان یک کودک - سرباز، فرآیند شستشوی مغزی سیستماتیک او برای ارتکاب خشونت‌ها و مجازات‌های بی‌رحمانه‌ای که برای افراد ترسو در گروه در نظر گرفته می‌شد.

مسئولیت تقلیل‌یافته در دیوان [مطابق قاعده ۱۴۵(۲)(الف)(۱) آیین دادرسی] مستلزم اختلال قابل توجه در ظرفیت ذهنی است، نه نابودی کامل آن. بنابراین، معیار آن به طور قابل توجهی پایین‌تر از معیار نابودی است. با این حال، اصطلاح «قابل توجه» به این معناست که اختلال باید تأثیری آشکار و قابل ملاحظه بر توانایی‌های فرد داشته باشد و از آستانه اختلالات روانی که بر توانایی تصمیم‌گیری فرد تأثیر نمی‌گذارند، فراتر رود. این رویکرد می‌تواند به عنوان یک دفاع جزئی عمل کند، بر اساس اصول کلی حقوقی مندرج در ماده ۲۱(۱)(ج) اساسنامه رم که از قوانین ملی نظام‌های حقوقی جهان استخراج شده‌اند (Souris, 2019: 498; Dominic Ongwen, Amicus Brief by Justice Francis M. Ssekandi,) اگر چنین ظرفیت ذهنی کاهش یافته‌ای اثبات می‌شد، آنگاه مسئولیت کیفری

1. Restorative Justice
2. Retributive Justice

اونگون نیز کاهش می‌یافت و در نتیجه مجازات او به تناسب کم می‌شد.

این رویکرد به صورت «نردبانی» عمل می‌کند و مسئولیت را در سه سطح، مسئولیت کامل به دلیل عدم وجود هرگونه ناتوانی ذهنی قابل توجه، مسئولیت تقلیل یافته به دلیل ناتوانی ذهنی قابل توجه به عنوان دفاع جزئی و عدم مسئولیت به دلیل ناتوانی ذهنی کامل، به عنوان دفاع کامل تعریف می‌نماید. با این وجود، شایان ذکر است که با استناد به مستندات و شواهد عینی ارائه شده در دیوان، به نظر نمی‌رسد ظرفیت ذهنی و قضاوتی اونگون به میزان چشم‌گیری دچار اختلال شده باشد. این استدلال عمدتاً مبتنی بر توانایی عملیاتی وی در هدایت و فرماندهی مؤثر یگان‌های نظامی و همچنین طراحی و اجرای موفقیت‌آمیز عملیات‌های پیچیده نظامی را داشت (Souris, 2019: 500).

در مورد مبنای ماده ۳۱(۱)(د) اساسنامه دیوان، تصمیم‌گیری برای دادگاه حتی آسان‌تر بود، زیرا نتیجه گرفت که اونگون تحت تهدید یا اجبار کونی نبوده است؛ بنابراین، دادگاه الزامات شدت، ضرورت، معقول بودن و تناسب آسیب را بررسی نکرد. این موضع با ارتباط خاص مورد نیاز بین تهدید و آسیب سازگار است، ارتباطی که دفاع نتوانست آن را فراتر از شک معقول اثبات کند، زیرا تهدیدهایی که اونگون احساس می‌کرد بیشتر به شرایط کلی در ارتش مقاومت خداوند و قدرت‌های جوزف کُنی نسبت داده می‌شد (Dominic Ongwen Amicus Brief by Justice Francis M. Ssekandi, 2021: paras.13-14).

با این حال، با توجه به محدودیت‌های ادراکی دومینیک اونگون ناشی از کودکی آسیب‌زده و توقف رشد شخصیتی او، می‌توان استدلال کرد که ترس او برای نفی عنصر روانی جرم و ایجاد اجبار کافی بود و منجر به مسئولیت تقلیل یافته او به عنوان عامل تخفیف مجازات می‌شد. کاربرد این شیوه رضایت‌بخش نیست، زیرا بدون تأثیرگذاری بر هسته اصلی قضاوت یعنی تعیین درجه مسئولیت متهم، تنها به تعدیل کیفر اکتفا می‌کند. این امر موجب می‌شود مبانی مسئولیت کیفری به صورت ناقص مورد بررسی قرار گیرد.

در زمینه خاص اجبار، شواهد ارائه شده حتی وجود تهدید برای اونگون را رد می‌کنند. با این حال، اگر قاعده ۱۴۵(۲) با تمرکز بر نفی عنصر روانی متهم، به گونه‌ای تفسیر می‌شد که با ویژگی‌های ذهنی و آسیب‌پذیری اونگون (اخلاق «کودک‌گونه») سازگار باشد، شانس پذیرش به عنوان عامل تخفیف وجود داشت (Bourtzis, 2023: 41).

به جای ارزیابی از دیدگاه یک فرد معمولی و معقول در شرایط مشابه، یک دیدگاه شخصی‌تر و ذهنی‌تر از وضعیت ذهنی مرتکب می‌توانست به ادعای او کمک کند. خود دادگاه نیز سن و کودکی او را به عنوان عوامل مرتبط در تعیین مجازات ذکر کرده بود، بنابراین می‌توان این عوامل را به نفع

استدلال درباره مبانی نزدیک به عدم مسئولیت کیفری گنجانند.

به طور مشخص، برخی محیط‌ها، مانند محیطی که یک کودک - سرباز در آن بزرگ می‌شود، ممکن است تا حد زیادی خارج از کنترل فرد باشد و به طور ناعادلانه‌ای رشد توانایی‌های عاملیت فرد را تحت تأثیر قرار دهد. این شرایط را می‌توان از دیدگاه ذهنی فردی با رشد اخلاقی و بلوغ ناقص، به عنوان تهدیدی مستمر در نظر گرفت.

علاوه بر این، حتی اگر او دیگر در معرض تهدید برای عمل بر خلاف منافع گروه نبود، ممکن بود به طور منطقی انتظار چنین تهدیدهایی را داشته باشد یا صرفاً تمایلی به ریسک کردن نداشت. از آنجا که او نگون در محیط محدود و خصمانه یک گروه مسلح در طول کودکی و جوانی باقی ماند، منطقی است که فکر کنیم توانایی او در ارزیابی انتقادی درست و غلط بر اساس قواعد و اصول اخلاقی به طور قابل توجهی محدود شده بود (Bourtzis, 2023: 42). این استدلال را می‌توان هم در مورد عامل تخفیف مرتبط با ظرفیت ذهنی و هم در مورد اجبار به کار برد. با توجه به انزوای او از جامعه و شست‌وشوی مغزی، ممکن است او متوجه نبوده که دیگران رفتار او را از منظر جامعه‌شناختی نیز نادرست می‌دانند. ترکیب تهدیدهای مستمر درباره مرگ یا آسیب شدید بدنی با ظرفیت‌های به شدت مختل شده برای درک این تهدیدها (زیرا نمی‌توان انتظار داشت او به طور منطقی نقایص عاملیت شخصیت خود را جبران کند) ممکن است برای اعطای عامل تخفیف خاص به او کافی باشد.

عدم وجود پیوند حقوقی مشخص و خاص بین تجربیات او نگون به عنوان یک کودک - سرباز و جرایم بزرگسالی او می‌تواند در مقابل این رویکرد مطرح شود. با این حال، به نظر ما چنین پیوندی باید آشکار در نظر گرفته شود، در غیر این صورت با درک دادگاه از معصومیت کودکان در برابر جرایم در تضاد خواهد بود. متناقض است که دادگاه تأثیر کودکی را بر رفتار یک جوان بزرگسال در نظر نگیرد، در حالی که همین عامل در صورت چند سال جوان‌تر بودن فرد، مصونیت از تعقیب را برای او تضمین می‌کرد (Drumbl, 2012: 49). چنین برخوردی نامتناسب به نظر می‌رسد: یک کودک - سرباز از تعقیب مصون است، اما همان فرد نمی‌تواند حتی همین تجربیات خود را به عنوان کودک - سرباز برای کاهش مسئولیت و توجیه اجبار خود مطرح کند.

با وجود رد دفاعیات اکراه و اختلال روانی توسط دیوان، استدلال دادستان در پرونده او نگون مبتنی بر پذیرش «وضعیت تقلیل یافته» اما نه «مسئولیت تقلیل یافته» بود. دادستان به صراحت اذعان داشت که پیشینه کودک - سربازی او نگون، اگرچه مسئولیت کیفری کامل او را زائل نمی‌کند، لکن باید به عنوان یک عامل مخففه بسیار قوی در مرحله تعیین مجازات لحاظ گردد (ICC, OTP: 2016). این رویکرد عملاً نوعی مسئولیت اخلاقی تقلیل یافته را به رسمیت می‌شناسد، بدون آنکه از مسئولیت

کیفری قانونی بکاهد. به عبارت دیگر، نظام حقوقی بین‌المللی می‌پذیرد که فردی مانند اونگون از عاملیت کامل برخوردار نبوده است، اما این فقدان عاملیت کامل، به معنای عدم وجود قصد مجرمانه کافی برای انتساب جرم نیست.

۴-۵. بررسی امکان استناد به دفاعیات عام و علل موجهه برای رد مسئولیت کیفری اونگون

بر اساس شواهد متقن ارائه‌شده از سوی دادستان و قربانیان، مشارکت اونگون در ارتکاب جرایم منتسب به وی، عملاً غیرقابل انکار است. این امر شامل عناصر خاص جرائم مانند ارتباط با درگیری مسلحانه در جرایم جنگی یا رفتار گسترده یا سیستماتیک در جنایات علیه بشریت) که باید نزد دیوان اثبات شوند نیز می‌شود. با این حال، هرچند این موضوع بدیهی به نظر می‌رسد، نباید به معنای «پیش‌تعیین‌شدگی» مسئولیت کیفری نهایی اونگون تلقی شود. در نهایت، پیش از رسیدن به چنین نتیجه‌گیری قطعی، دیوان باید وجود عنصر روانی جرم را احراز کند که مستلزم بررسی قلمرو ذهنی مرتکب و قصد او نسبت به عمل مجرمانه است. تنها پس از احراز هر دو عنصر مادی و روانی است که «باید پرسید آیا شرایطی وجود دارد که مسئولیت کیفری فردی مرتکب را منتفی یا مستثنی کند؟» (Werle and Jessberger, 2014: 171). به بیانی دیگر، آیا اونگون قادر بود با استناد به این دفاع، مسئولیت کیفری خود را در قبال جرایمی که به عنوان فرمانده ارتش مقاومت خدا مرتکب شده است، رد کند. جایگاه دفاع اضطرار و اکراه در رأی ماهوی و نظام عدالت کیفری دیوان چگونه محقق شد؟

۴-۵-۱. واکاوی تفسیر قضایی ماده ۳۱ (۱) (د) اساسنامه در پرونده اونگون؛ اضطرار و اکراه

بر اساس ماده ۳۱(۱) اساسنامه رم: علاوه بر سایر دلایل سلب مسئولیت کیفری پیش‌بینی شده در این اساسنامه، شخصی از مسئولیت کیفری میراست اگر در زمان ارتکاب رفتار: (... د) رفتاری که به عنوان جرم تحت صلاحیت دیوان ادعا شده، ناشی از اضطرار یا اکراه باشد؛ اکراه و اضطراری که ناشی از تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا آسیب شدید جسمانی مستمر یا قریب‌الوقوع علیه خود شخص یا دیگری بوده باشد، و شخص برای اجتناب از این تهدید به شیوه‌ای ضروری و معقول عمل کرده باشد، مشروط بر اینکه قصد ایجاد آسیب بزرگ‌تر از آسیبی که می‌خواسته از آن اجتناب کند را نداشته باشد. چنین تهدیدی ممکن است: توسط دیگران اعمال شده باشد؛ یا ناشی از شرایط خارج از کنترل شخص باشد. پس از مطالعه دقیق این ماده، آشکار می‌شود که ماده ۳۱(۱) (د) نوعی ابهام اصطلاحی ایجاد می‌کند. این ابهام عمدتاً ناشی از عدم اشاره صریح به «ضرورت» است، چرا که این ماده، حداقل در سطح معناشناختی، صرفاً حول محور مفهوم اضطرار و اکراه می‌چرخد. به نظر می‌رسد تفسیر این ماده می‌تواند به دو نتیجه متضاد منجر شود: یا این ماده صرفاً به دفاع اضطرار یا اکراه پرداخته که در این صورت مفهومی فراتر از معنای سنتی خود خواهد داشت؛ یا اینکه هم‌زمان هر دو دفاع اضطرار

یا اکراه و ضرورت را شامل می‌شود که این امر معضلی تفسیری در خصوص حدود دقیق هر کدام در اساسنامه رم ایجاد خواهد کرد.

فرض بر این است که ماده ۳۱(۱)(د) تنها یکی از این دفاعیات را شامل می‌شود، یعنی دفاع اضطرار یا اکراه که با ترکیب دو دفاع متمایز و تا حدی متقابلاً انحصاری اضطرار یا اکراه و ضرورت، از معنای سنتی خود فاصله گرفته است. فرمول‌بندی اضطرار یا اکراه در اساسنامه رم اجازه شناسایی چندین مؤلفه مجزا را می‌دهد که به طور خلاصه تفسیر خواهند شد. نخست، دفاع اضطرار مندرج در ماده ۳۱(۱)(د) تنها در مورد جرایمی اعمال می‌شود که در صلاحیت دیوان قرار دارند (مواد ۵ تا ۸ اساسنامه رم). در مورد دومینیک اونگون، این شرط به وضوح محقق شده است، چرا که او به ارتکاب انواع مختلفی از جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت متهم شده است.

علاوه بر این، اساسنامه دو شرط اساسی را پیش‌بینی کرده است که می‌توان ادعا کرد توجیه‌کننده وجود خود این دفاع هستند: «تهدید قریب‌الوقوع مرگ» و همچنین «تهدید آسیب شدید جسمانی مستمر یا قریب‌الوقوع». شرط وجود تهدید به این نتیجه‌گیری منجر می‌شود که تهدید باید به طور عینی واقعی باشد و «در واقعیت وجود داشته باشد» (Ambos, 2013: 357; Cryer, 2012: 412). بنابراین، این مقرر در مواردی که متهم به اشتباه تصور می‌کند تحت تهدید قرار گرفته است، قابل اعمال نیست (Krabbe, 2014: 225). از نظر محتوای هنجاری، هر دو شرط صرفاً به تهدید علیه «جان» یا «تمامیت جسمانی» محدود می‌شوند که به ناچار مواردی مانند فشار صرف روانی را مستثنی می‌کند. شرط مهم دیگر - که جنبه زمانی دارد - این است که تهدید باید یا فوری باشد (در مورد تهدید به مرگ) یا فوری یا مستمر باشد (در مورد آسیب شدید جسمانی). شرط فوریت باید به صورت عینی وجود داشته باشد، نه صرفاً در ذهن مرتکب (Eser, 2016: 1151).

در مورد دفاعیه اجبار، وکلای مدافع ادعا کردند که اونگون و جامعه‌اش تحت تهدید مداوم مرگ قریب‌الوقوع و آسیب شدید جسمی از سوی کونی (شخص دیگر) و دستگاه نظامی کنترل‌کننده او (شرایط خارج از کنترل اونگون) قرار داشتند. معیار فوریت آسیب بر سه پایه استوار بود: ۱) اجبار کودکان ربوده‌شده به اعمال خشونت علیه کسانی که قوانین را نقض می‌کردند، ۲) نظارت همه‌جانبه تنظیم‌شده توسط کونی، و ۳) باور به اینکه کونی می‌تواند آینده را پیش‌بینی و ذهن اعضای ارتش مقاومت خدا را بخواند. اعدام اعضای نافرمان قبل، در حین و بعد از دوره اتهامی انجام می‌شد که نشان‌دهنده فوری و مستمر بودن تهدیدات بود (Dominic Ongwen (Defence Closing Brief): (paras. 602-603,680,684,691).

به گفته وکلای مدافع، وضعیت ذهنی کودک‌گونه اونگون درک او از اقدام معقول و لازم برای

جلوگیری از تهدیدات ارتش مقاومت خدا را به شدت مختل کرده و او را از سنجش چگونگی عدم ایجاد آسیب بیشتر ناتوان ساخته بود. دادستان‌ها خاطر نشان کردند که اجبار باید شامل تهدید خاص برای جرم خاص باشد و یک دفاعیه کلی نیست. آن‌ها الف) وجود چنین تهدیداتی، ب) معقولیت و ضرورت رفتار اونگون، و ج) آزمون موازنه در مورد قصد او برای عدم ایجاد آسیب بیشتر را رد کردند (Nortje and Oueniver, 2020: 58; Dominic Ongwen, Prosecution Closing Brief, 2020:) (paras.474-483).

دیوان در مورد فوریت و ارتباط آن با آسیب، با موضع دادستان‌ها موافقت کرد. هیئت قضایی خاطر نشان کرد که معیارهای ضرورت و معقولیت باید با در نظر گرفتن کلیت شرایط و نحوه واکنش یک فرد معمولی در موقعیت مشابه ارزیابی شود. در نهایت، دیوان ادعای اجبار را رد کرد، زیرا اونگون کاملاً زیر دست کونی نبود و اغلب به طور مستقل عمل می‌کرد، بنابراین تحت تهدید نبود و از آنجا که این شرط اثبات نشده بود، بررسی سایر شرایط ضروری نبود (Dominic Ongwen, 2021:) (paras.2582-2584, 2668).

۴-۵-۲. ارزیابی شرایط اکراه از منظر داستان شخصی اونگون

اکراه یا اجبار به عنوان دلیل سلب مسئولیت کیفری در اساسنامه رم هر چند کاربردش محدود و تنها در شرایط خاصی امکان پذیر است اما دفاع کامل محسوب می‌شوند. صرف نظر از معیار اولیه (جرم در صلاحیت دادگاه) که به وضوح محقق شده است، ارزیابی شرایط اکراه در پرونده دومینیک اونگون کاری دشوار به نظر می‌رسید. در واقع، پیش از ارائه پاسخ نهایی، پرسش‌های متعددی باید مطرح و بررسی می‌شد، از جمله:

- آیا اونگون تحت یکی از تهدیدهای مندرج در ماده ۳۱(۱)(د) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قرار داشت؟
- آیا او واقعاً مرتکب جرایمی شده که به آنها متهم است؟
- اگر چنین است، آیا این جرایم را به دلیل قرار گرفتن در وضعیتی شدید مرتکب شده یا صرف نظر از هرگونه تهدید قابل شناسایی برای یک فرد معقول، باز هم دست به چنین اعمالی میزد؟

اونگون قطعاً بارها تهدید به آسیب دید و حتی در موارد متعددی تحت تهدید آسیب قرار داشت. حتی مواردی وجود داشت که این تهدیدها محقق شد، مانند زمانی که در سودان زندانی و شکنجه شد (Drumbl, 2017). همچنین تأیید شده است که او مدتی از جوزف کُنی (فرمانده ارتش مقاومت خداوند) مخفی می‌شد، زیرا از او می‌ترسید. با این حال، با توجه به محدوده زمانی اتهامات (۳)

سال)، به نظر می‌رسد در آن دوره، حداقل بر اساس اطلاعات موجود، اونگون نه تحت تهدید «مرگ قریب الوقوع» بوده و نه در معرض «آسیب جدی جاری یا قریب الوقوع به بدن». در واقع، همین نتیجه را دادگاه بدوی نیز گرفته و اعلام کرده است: «هیچ شواهدی دال بر تهدید مرگ قریب الوقوع یا آسیب جدی جاری یا قریب الوقوع به اونگون (یا شخص دیگری) در زمان ارتکاب جرایم مورد اتهام وجود ندارد» (Dominic Ongwen, 23 March 2016: para.102).

با این حال، با توجه به اینکه اونگون متهم به دست کم ۷۰ فقره جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت بود، دادگاه دفاع مبتنی بر اکراه وی را نپذیرفت. علاوه بر جرایم مرتبط با فعالیت‌های نظامی ارتش مقاومت خداوند بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ (حتی اگر غیرقانونی باشند، مانند حمله به اردوگاه‌ها یا به‌کارگیری کودکان سرباز)، اتهاماتی نیز وجود دارد که به‌وضوح نمی‌توان آن‌ها را اهداف نظامی این گروه دانست. برای مثال، اونگون متهم به ارتکاب مستقیم چندین جنایت جنسی علیه هشت زن است» (Dominic Ongwen, 23 March 2016: para.111). یکی از همسران او (شاهد P-101) شهادت داده که به مدت هشت سال از زمان ربوده شدنش در اوت ۱۹۹۶ توسط اونگون و دیگر جنگجویان ارتش مقاومت خداوند تا زمان فرارش در ژوئیه ۲۰۰۴، در اسارت بود. او در روز ربوده شدن مجبور شد «همسر» اونگون شود و تا زمان فرارش تحت اجبار با او رابطه جنسی داشت. همچنین اونگون او را مجبور به انجام کارهای خانگی مانند پخت و پز و جمع‌آوری میز می‌کرد. در این زمینه، دیوان خاطرنشان کرده که دفاع، نه در زمان شهادت شهود و نه در جلسه تأیید اتهامات، «اختلاف نظر قابل توجهی با روایت ارائه شده توسط شهود نشان نداد» (Dominic Ongwen, 23 March 2016: para.111). این بیانیه و رفتار منفعلانه وکیل مدافع می‌تواند نشانه محکمی از مجرمیت اونگون باشد. در مورد دفاع مبتنی بر اکراه نیز نتوانست ثابت نماید که او این جنایات را به دلیل «تهدید مرگ قریب الوقوع» یا «آسیب جدی جاری یا قریب الوقوع» مرتکب شده است.

حتی اگر فرض کنیم چنین تهدیدهایی وجود داشته، باز هم معیارهای دیگری باید احراز شوند تا دفاع اکراه با موفقیت مطرح شود. این شامل دو شرط است: اقدام ضروری و معقول برای دفع تهدید، بدان معنا که اقدام برای دفع تهدید باید ضروری (یعنی هیچ راه دیگری وجود نداشته) و معقول باشد (Eser, 2016: 1153). عدم قصد ایجاد آسیب شدیدتر، واکنش فرد نباید با هدف ایجاد آسیب بزرگ‌تر از آنچه می‌خواسته از آن اجتناب کند، باشد (Ambos, 2013: 539).

در مورد اونگون، این شرط دوم، که بر اساس اصل تناسب («اصل دفع افسد به فاسد») است مشکل‌زا به نظر می‌رسد، به‌ویژه با توجه به ماهیت جرایمی که به آن‌ها متهم است. علاوه بر این، به‌سختی می‌توان ادعا کرد که او برای دفع تهدید دست به چنین اعمالی زده است، زیرا به جای فرار

و پنهان شدن، در ارتش مقاومت خداوند باقی ماند و حتی در سلسله مراتب آن ترقی کرد. به احتمال زیاد، همین نتیجه در مورد دو شرط بعدی ماده ۳۱(۱)(د) اساسنامه (تهدید از سوی دیگران (اکراه) یا شرایط خارج از کنترل فرد (ضرورت)) نیز صدق کند. این عمدتاً به دلیل ماهیت ثانویه این شرایط در مقایسه با «تهدیدها»یی است که پیشتر بررسی شد. با این حال، اگرچه اطلاعاتی در مورد تهدید علیه افراد دیگر (مانند خانواده اونگون) در دسترس نیست، اما با توجه به رویه ارتش مقاومت خداوند، این احتمال کاملاً منتفی نیست. همچنین نباید فراموش کرد که در موارد فرار کودکان سرباز، حملات تلافی جویانه علیه بستگان آن‌ها اغلب واکنش خودکار این گروه بود. این حملات صرفاً مجازات نبود، بلکه عمدتاً به عنوان ابزاری بازدارنده برای جلوگیری از فرار دیگر کودکان سرباز استفاده می‌شد.

۴-۵-۳. دیدگاه نهایی دیوان در خصوص قابلیت استماع دفاعیات

اتهامات اونگون به دوره کودک - سربازی وی مربوط نمی‌شد بلکه به دوران بزرگسالی و فرماندهی وی در ارتش مقاومت خدا مربوط بود. بنابراین وضعیت اونگون نمونه کاملی از معادل‌سازی با یک کودک عضو گروه محسوب نمی‌شود، چرا که مسئولیت کیفری او در قبال اعمال نادرستی که در دوران کودکی در ارتش مقاومت خداوند مرتکب شده بود مورد پیگرد قرار نگرفت. با این حال، اونگون در دفاعیات خود، با تبیین نقش دوگانه «قربانی - عامل»، هرگونه اقدام خود را در چارچوب «اجبار مستمر» قابل توجیه دانست. وی ربه‌شده شدن در سنین کودکی، قرارگیری در معرض خشونت‌های ممتد، دستکاری روانی و ترس همیشگی از مرگ را به عنوان مبنای ادعای خود مبنی بر فقدان هرگونه اراده و اختیار واقعی مطرح کرد. از نگاه او، حتی ترفیعات درون گروهی نه نشانه رضایت یا قدرت، بلکه تنها نمادی از توانایی انطباق و بقا در یک سیستم اجباری بود (Dominic Ongwen, 2021: para.31).

شعبه مقدماتی و بدوی این استدلال را نپذیرفتند. ترکیب این دو رأی به این گزاره می‌رسد که صرف قربانی بودن در یک سازمان جنایتکار و عضویت تحت اجبار در آن، به خودی خود فرد را از مسئولیت جنایات مرتکب‌شده میرا نمی‌کند. همانطور که اشاره شد، پرونده خاص اونگون با وضعیت کودکی که در حین عضویت در گروه مرتکب جرم می‌شود کاملاً قابل قیاس نیست. با این حال، این پرونده فرصتی بود تا استدلال‌های مشابهی که ممکن است یک کودک متهم به ارتکاب خشونت ارائه دهد - مانند وجود شرایط اجبار مستمر مرتبط با جرائم ارتکابی که باید موجب تبرئه او شود - در دیوان مطرح شود. اگرچه واکنش دیوان به چنین دفاعی نامشخص است، اما صراحت و گستردگی آراء صادره در پرونده اونگون حاکی از پاسخ منفی دیوان است. این موضوع تأییدی بر انتقاد درامبل از تقسیم‌بندی مصنوعی حقوق کیفری بین گناه و بی‌گناهی است و هشدار لوی درباره اشتباه دادگاه‌ها

در پذیرش این تقسیم‌بندی به جای واقعیت را یادآور می‌شود. به نظر می‌رسد شرایط حاکمیت فضای عمومی ترس و خشونت در یک گروه مسلح، هم در اصل و هم در عمل، با جنایات ارتكابی توسط قربانیان به دلیل وضعیت مستمر اجبار مرتبط است و این ارتباط باید به رسمیت شناخته شود. دومینیک اونگون نتوانست در رسیدگی‌های جاری دیوان با موفقیت به دفاعیه اضطرار استناد کند. این دیدگاه تا حدی با تصمیم دیوان مبنی بر تأیید اتهامات هم‌خوانی دارد که در آن، استدلال‌های دفاعیه درباره دلایل احتمالی سلب مسئولیت کیفری، دیوان را متقاعد نکرد. هرچند برخی از صاحب‌نظران بر فقدان حق انتخاب اونگون تأکید داشتند و آن را دلیلی محکم برای بازنگری دیوان در این دفاعیه می‌دانند، اما به نظر می‌رسد این ادعاها هم فاقد پشتوانه کافی بود و هم کاملاً در چارچوب ماده ۳۱(۱)(د) اساسنامه رم نمی‌گنجد. علاوه بر جنبه حقوقی، از منظر اخلاقی و اجتماعی نیز می‌توان علیه دفاعیات اونگون استدلال کرد. او سال‌ها پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی به ارتکاب این جرایم ادامه داد و موقعیت نسبتاً قدرتمندی در سلسله مراتب ارتش مقاومت خداوند به دست آورد. بنابراین، دفاع اضطرار عمدتاً برای سربازان عادی کاربرد دارد، نه برای فرماندهانی که خود تصمیم‌گیرنده و صادرکننده دستور هستند.

اگرچه اساسنامه رم، استناد کودک - سربازان به دفاع «اضطرار» را به طور کلی منع نکرده است، اما این دفاع در مورد اونگون با شکست مواجه شد. دادگاه او را در قبال بخش قابل توجهی از اتهاماتش مجرم شناخت. با این حال، ماهیت دوگانه او به عنوان «قربانی - مرتکب» در تعیین مجازات تأثیرگذار بود. دیوان بر اساس قاعده ۱۴۵(ج) آیین دادرسی و ادله، ملزم به در نظر گرفتن عوامل فردی مانند سن، شرایط ارتکاب جرم و وضعیت اجتماعی - اقتصادی او شد. همچنین بر اساس بند ۲(الف) همین قاعده، شرایط تخفیف‌دهنده‌ای مانند «ظرفیت ذهنی به شدت کاهش یافته» یا «حالت اضطرار نسبی» که اگرچه مسئولیت را سلب نمی‌کرد، در تعدیل مجازات مورد توجه قرار گرفت.

نتیجه

حقوق بین‌الملل کیفری در خصوص جرایم ارتکاب‌یافته توسط افراد بزرگسال از ساختار محکمی برخوردار است اما در خصوص جرایم ارتكابی کودکان شکاف ساختاری قابل توجهی دارد. دیوان بین‌المللی کیفری رسیدگی کیفری به اتهامات کودکان را مجاز می‌داند، اما دیوان صلاحیت رسیدگی به جرائم کودکان را ندارد. حمایت کیفری از کودکان از زمان تعقیب توماس لوبانگا و محکومیت وی به اتهام سربازگیری و ثبت نام کودکان به عنوان جرمی مجزا در مخاصمات مسلحانه مورد توجه دادستانی این نهاد بوده است. اما مسئله سن به کارگیری کودکان هنوز به جای خود باقی است و سن ۱۵ سال برای مشارکت فعال در مخاصمات که صراحتاً در اساسنامه رم مورد اشاره قرار گرفته به

گونه‌ای نامعقول در حال تثبیت است. با این حال، جامعه بین‌المللی باید به سمتی پیش برود که سن هجده سال را مبنای تشخیص قرار دهد و ممنوعیت مطلق استفاده از کودکان زیر ۱۸ سال یک ضرورت است.

رای دیوان در پرونده دومینیک اونگون از چند جهت قابل تأمل است؛ از سویی، برخی از وجوه پرونده از جمله جرم بارداری اجباری و ازدواج اجباری به عنوان جنایات علیه بشریت و جنایت جنگی، برای نخستین بار است که در رسیدگی‌های دیوان مطرح می‌شوند. از سوی دیگر، دیوان در این پرونده، برای نخستین بار درگیر چالش جدید و مهم پرونده‌های کیفری بین‌المللی تحت عنوان «قربانی - مجرم» می‌شود. پرونده اونگون این فرصت را به ما داد تا مشاهده کنیم که ماهیت نقشی که کودک در مخاصمات بر عهده می‌گیرد (مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم) با اهمیت قلمداد نمی‌شود، بزرگ‌شدن به عنوان یک کودک سرباز به‌طور کامل رشد اخلاقی و ظرفیت فرد را مختل نمی‌کند، تحقق شرایط دفاعیات مندرج در اساسنامه واقعاً دشوار است، و الگوی مسئولیت محدود شده می‌تواند تحت شرایط سختگیرانه اعمال شود.

هر چند رویکرد صرفاً سنی در مسئولیت کیفری فاقد ظرافت لازم برای پرداختن به پیچیدگی‌های رفتار انسان و ظرفیت شناختی افراد است اما دیوان معتقد است کودکان سرباز زیر ۱۵ سال مسئولیت کیفری در قبال اعمال خود ندارند و نباید داشته باشند. کودکان سرباز بین ۱۵ تا ۱۸ سال باید مسئولیت کیفری محدود شده‌ای متناسب با رشد اخلاقی و ظرفیت ذهنی خود داشته باشند، با این تضمین که هر مورد به‌صورت جداگانه بررسی شود تا مشخص گردد آیا برخی از آن‌ها می‌توانند کاملاً از مسئولیت کیفری معاف شوند، در حالی که مجازات آن‌ها باید بر بازپروری متمرکز باشد، نه انتقام. همچنین، بزرگسالانی که سابقاً کودک - سرباز بوده‌اند، مسئولیت کامل در قبال جنایات دوران بزرگسالی خود دارند و باید داشته باشند، اما شرایط تربیتی آن‌ها نه تنها به عنوان یک عامل تخفیف‌دهنده، بلکه به عنوان عاملی برای اعطای دفاع جزئی و کاهش مسئولیت کیفری آن‌ها باید در نظر گرفته شود.

حکم دیوان با توجه به شواهد ارائه شده و تفسیر دقیق اصطلاحات حقوقی، چندان تعجب برانگیز نیست. این رای کاملاً با تحلیل ما سازگار است، زیرا دادگاه از اعمال صلاحیت خود بر جرایمی که اونگون پیش از رسیدن به سن بزرگسالی مرتکب شده بود، خودداری کرد. در مورد دفاعیات مطرح شده، دادگاه هر یک را به صورت جداگانه بررسی و سپس رد کرد. دیوان دریافت، اونگون جنایات را در بزرگسالی و با مسئولیت کامل مرتکب شده است. علاوه بر این، هیئت قضایی شواهدی مبنی بر ابتلای او به بیماری روانی در دوره مربوطه یا تحت فشار و اجبار بودن او نیافت و حتی خود او دستورهایی را جهت ارتکاب جنایات صادر کرده است. دادگاه استدلال دفاع مبنی بر ترکیب نقایص روانی اونگون و

تهدیدهایی که تحت آن‌ها عمل می‌کرد را نپذیرفت و تأکید کرد که این دو مبنا نمی‌توانند هم‌زمان وجود داشته باشند، چرا که یکی به نابودی ظرفیت ذهنی اشاره دارد و دیگری به انتخابی آگاهانه اما اجتناب‌ناپذیر برای ارتکاب جرم (ICC, Dominic Ongwen, 2021: para.2671).

شواهد مربوط به زندگی و اقدامات دومینیک اونگون به این نتیجه‌گیری منطقی منجر می‌شود که حتی اگر او از اختلالات روانی رنج می‌برد، این اختلالات آن‌قدر شدید نبودند که عملکرد عادی او را مختل یا صلاحیت ذهنی‌اش را نابود کنند. در واقع، تناقض‌آمیز است که فردی با ظرفیت ذهنی نابودشده بتواند مانند اونگون در سلسله مراتب نظامی ترقی کند. با این حال، نمی‌توان انکار کرد که از آنجا که دادگاه عمدتاً صلاحیت خود را بر مرتکبان تأثیرگذار یا عالی‌رتبه در یک درگیری اعمال می‌کند، دفاع عدم مسئولیت روانی عملاً هرگز قابل اعمال نخواهد بود، زیرا احتمال وجود چنین مرتکبی (در رده‌های بالای سلسله‌مراتب و در عین حال فاقد صلاحیت روانی) بسیار ضعیف یا نزدیک به صفر است. در نهایت، عدالت باید در مورد همه جرایم، از جمله جرایم جنگی کودکان سرباز، اعمال شود. اجرای عدالت باید آموزشی باشد و درک کودکان از زشتی اعمال‌شان را تقویت کند. جامعه نیز باید تصویری واقع‌گرایانه از این کودکان به عنوان مرتکبان جرم ارائه دهد. در موارد خاص، مسئولیت کیفری کودکان، در صورت آگاهی کامل و قصد ارتکاب جرم، می‌تواند مفید باشد و اثر بازدارنده در برابر به‌کارگیری بیشتر کودکان داشته باشد. با این حال، اصل «مصلحت عالیۀ کودک» و عدالت ترمیمی باید در اولویت قرار گیرد تا بازتوانی و بازگشت آنان به جامعه تسهیل شود. تعقیب کیفری تنها به عنوان آخرین راهکار برای کودکانی که از مشارکت در فرآیند ترمیمی خودداری می‌کنند، اعمال شود، آن هم پس از احراز اهلیت و رکن معنوی جرم.

منابع

فارسی

- احسان‌پور، سیدرضا و قدمی، مصیب. (۱۴۰۳). مؤلفه‌های سیاست جنایی مطلوب در رابطه با پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان در فضای مجازی. فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی. دوره ۲۹، شماره ۱۰۵.
- پیری، حیدر. (۱۴۰۲). تجدید حیات دکتترین استنکاف یا ناتوانی در گفتمان توسل به زور؛ تحلیل انتقادی در چارچوب مشرب حقوق وضعی. پژوهش حقوق عمومی، ۲۵(۷۹)، ۲۶۵-۳۰۲.
- تقی‌زاده، زکیه و هداوندی، فاطمه. (۱۳۹۱). مقابله با بحران سرپازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه: نخستین رأی دیوان کیفری بین‌المللی در ترازوی حقوق بین‌الملل. مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۲.
- شهسواری، سجاد؛ مؤذن زادگان، حسنعلی و رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۲). مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی؛ مبانی، چالش‌ها و راهکارها. فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۲.
- محمود، میر صالح. (۱۴۰۱). رأی نهایی دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده دامینیک اونگون. در مجموعه مقالات تالار گفتگوی حقوقی و سیاسی بین‌المللی. انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- میرکمالی، سیدعلیرضا و پورحسن، سحر. (۱۳۹۳). جرم سرپازگیری کودکان از منظر حقوق بین‌الملل کیفری. مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۴.
- تقی‌زاده، یلدا و لسانی، سیدحسام‌الدین. (۱۴۰۳). رویکرد دیوان بین‌المللی کیفری در جرم‌انگاری سرپازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۴، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۸، ۱۲۷۹-۱۳۰۱.
- نیاموتاتا، کنارد. (۱۳۹۹). تروریست‌های جوان یا کودک سرپازها؟ کودکان داعشی، حقوق بین‌الملل و قربانی شدن. ترجمه سید صادق موسوی نژاد، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۴.

انگلیسی

- Ambos, K. (2013), *Treatise on International Criminal Law. Volume I: Foundations and General Part*, Oxford.
- Ambos, Kai, & Triffterer, Otto, (2016), *Rome Statute of the International Criminal Court: Article-by-Article Commentary*, (3rd edn, C.H. Beck Hart Nomos).
- Bourtzis, Georgios, (2023), "From Victims to Perpetrators: The Legal Treatment of Child-Soldiers Who Commit International Crimes, as Children and as Adults", in *International Criminal Law*, University of Groningen Faculty of Law, *Research Paper Series*, No.5.
- Chrysostome, Jean, & Kiyala, K. (2019), *Child Soldiers and Restorative Justice*, Cham: Springer.
- Clark, Roger S., & Triffterer, Otto, (2015), "Part 3. General Principle of Criminal Law; Article 26", in: Otto Triffterer & Ambos Kai (Eds.), *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary*, Hart.
- Cryer, Robert, (2012), "Defences/Grounds for Excluding Criminal Responsibility", in *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Robert Cryer et al, Cambridge University Press.
- Drumbl, M. A., (2012), *Reimagining Child Soldiers in International Law and Policy*, OUP.
- Drumbl, M.A., (2016), "Shifting Narratives: Ongwen and Lubanga on the Effects of Child Soldiering", *Justice in Conflict*.

- Drumbl, M.A., (2017), *A former child soldier prosecuted at the International Criminal Court*, Oxford University Press Blog.
- Eser, Albin, (2016), *Grounds for Excluding Criminal Responsibility*, Nomos.
- Gacka, Patryk, (2020), “Can Duress Exclude Criminal Responsibility of Former Child Soldiers? The Case of Dominic Ongwen before the ICC”, *Studia Iuridica*, Vol.82.
- Grover, Sonja C., (2012), *Child Soldier Victims of Genocidal Forcible Transfer: Exonerating Child Soldiers Charged with Grave Conflict-related International Crimes*, Berlin: Springer.
- Higgs, Johanna, (2020), *Militarized Youth: The Children of the FARC*, Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Jorgensen, Nina H. B., (2012), “Child Soldiers and the Parameters of International Criminal Law”, *Chinese Journal of International Law*, Vol.11.
- Krabbe, M. (2014), *Excusable Evil. An Analysis of Complete Defenses in International Criminal Law*, Cambridge: Antwerp–Portland.
- Nobert, Megan, (2011), “Children at War: The Criminal Responsibility of Child Soldiers Children at War: The Criminal Responsibility of Child Soldiers”, *Pace International Law Review Online Companion*, Vol.3(1).
- Nortje, Windell; Quenivet, Noelle, (2020), *Child Soldiers and the Defence of Duress under International Criminal Law*, Palgrave Macmillan.
- Note, Amy Beth Abbott, (2000), Child Soldiers: The Use of Children as Instruments of War, *Suffolk Transnational Law Review*, Vol.23.
- Owiso, Owiso, (2020), “International Law and the Protection of Children Associated with Armed Forces and Armed Groups: Reconciling Normative Standards on Recruitment and Participation”, *Journal of International Law of Peace and Armed Conflict*, Vol.3(3).
- Schabas, William, (2016), *The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute*, Oxford Commentaries on International Law.
- Souris, Rene Nicole, (2019), “Virtue Ethics, Criminal Responsibility, and Dominic Ongwen”, *International Criminal Law Review*, Vol.19.
- Stahn, Carstem, (2019), *A Critical Introduction to International Criminal Law*, Cambridge University Press.
- Talbert, Matthew, & Wolfendale, Jessica, (2018), “The Moral Responsibility of Child Soldiers and the Case of Dominic Ongwen”, *Stockholm Centre for the Ethics of War and Peace*.
- Weigend, Thomas, (2023), Convicting Autonomous Weapons?: Criminal Responsibility of and for AWS under International Law, *Journal of International Criminal Justice*, Vol.21(5).
- Werle, Gerhard, & Jessberger, Florian, (2014), *Principles of International Criminal Law*, Oxford.

اسناد و آرای قضایی

- ICC Press Release, “Warrant of Arrest Unsealed against five LRA Commanders,” ICC-CPI- 20051014-110, 14 October 2005.
- ICC, Lubanga Dyilo, Opening Statement Luis Moreno-Ocampo and Fatou Bensouda, 26 January 2009.
- ICC, OTP, Fatou Bensouda, Statement at the Opening of Trial in the Case against Ongwen, 6 December 2016.
- The Prosecutor v. Dominic Ongwen, Decision on the confirmation of charges

- against Dominic Ongwen, 23 March 2016, ICC-02/04-01/15.
- ICC, Prosecutor v. Dominic Ongwen, Document containing the Charges, 22 December 2015, ICC- 02/04-01/15.
 - ICC, PTC II, Dominic Ongwen, Decision on the confirmation of charges against Ongwen, 2016.
 - ICC, The Prosecutor v. Dominic Ongwen (Judgement), 1CC-02/04-01/15, 4 February 2021.
 - ICC, The Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Judgment pursuant to Article 74 of the Statute, ICC-01/04-01/06, 14 March 2012.
 - ICC, The Prosecutor v Dominic Ongwen (Amicus Brief by Justice Francis M. Ssekandi), 2021.
 - ICC, The Prosecutor v Dominic Ongwen (Prosecution Closing Brief), 2020.
 - ICC, The Prosecutor v Dominic Ongwen (Questions and Answers), 4 February 2021), Verdict in the Ongwen trial at the ICC).
 - The Prosecutor v Dominic Ongwen, Defence closing brief, 13 March 2020, ICC-02/04-01/15.
 - The Prosecutor v Dominic Ongwen, Defence closing statement, 12 March 2020, ICC-02/04-01/15.
 - The Prosecutor v Dominic Ongwen, Pre-Trial Chamber II, ICC-02/04-01/15 Defence for Dominic Ongwen Third Public Redacted Version of 'Defence Brief for the Confirmation of Charges Hearing', filed on 18 January 2016 as ICC-02/04-01/15-404-Conf (25 May 2016).
 - The Prosecutor v. Dominic Ongwen (Defence Closing Brief) (ICC, 4 February 2021).
 - The Prosecutor v. Dominic Ongwen, Initial Appearance. Transcript, 26 January 2005.
 - UNICEF, 2007, Principles and Guidelines on Children Associated with Armed Forces or Armed Groups (The Paris Principles).